

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۲، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۸ - ۵۳

انسان‌شناسی ورزش؛ گذار از رویکرد آسیب‌شناسانه علوم اجتماعی ایران به رویکرد فرهنگی

سید مهدی آقاپور^۱
ابراهیم خدایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۵

چکیده

اهمیت مطالعه اجتماعی ورزش مدرن را می‌توان از دو منظر به‌هم‌پیوسته مورد بررسی قرار داد: نخست نیاز ورزش به علوم اجتماعی و دیگری نیاز علوم اجتماعی به ورزش. علوم اجتماعی ایران غالباً با نگاه آسیب‌شناسانه و تأکید بر اوباشی‌گری و خشونت (مخصوصاً در مسابقه‌های فوتبال) به ورزش پرداخته و به ندرت با آن به عنوان یک موضوع مطالعه مهم برخورد کرده است. انسان‌شناسی ورزش ایران از یک طرف تحت تأثیر این رویکرد به ورزش قرار دارد و از طرف دیگر متأثر از تأخیر جهانی رشته انسان‌شناسی نسبت به پژوهش بر روی ورزش مدرن است. این مقاله به بازخوانی منابع ایرانی مطالعه اجتماعی ورزش می‌پردازد، داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای تهیه شده‌اند. بررسی نشان می‌دهد انسان‌شناسی در ایران تا کنون توجهی به مطالعه ورزش مدرن نداشته است، البته متونی درباره بازی‌های محلی و ورزش‌های سنتی ایران تدوین شده است. مسئله‌هایی همچون تغییرات فرهنگی، جهان - محلی شدن و مسئله هویت بیش از هر چیز میدان ورزش را مستعد مطالعه اجتماعی و انسان‌شناختی می‌کند؛ تمرکز بر این موضوعات، ورزش را به میدان مناسبی برای شناخت انسان، فرهنگ و جامعه تبدیل خواهد کرد و منجر به خروج از انحصار نگاه آسیب‌شناسانه می‌شود، تحقیق اجتماعی در میدان ورزش به بهبود و حل مسائل فرهنگی و اجتماعی ورزش (منظر نخست) و پویایی و غنای علوم اجتماعی (منظر دوم) کمک خواهد کرد.

کلید واژگان: انسان‌شناسی بازی، بازی، تغییر فرهنگی، جهان - محلی شدن، مطالعه اجتماعی ورزش، ورزش مدرن.

^۱ - استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

^۲ - کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران (مسئول مکاتبات)

مقدمه

نگاه نویسندگان این مقاله بر آن است که مطالعه اجتماعی ورزش مدرن را می‌توان در دو رویکرد کلی طبقه‌بندی کرد. نخست از منظر نیاز ورزش به مطالعات اجتماعی و دیگری از منظر نیاز علوم اجتماعی به مطالعه ورزش، در رویکرد نخست علوم اجتماعی و یافته‌های آن در خدمت ورزش هستند، درحالی‌که در رویکرد دوم "ورزش" به موضوعی برای پژوهش‌های اجتماعی تبدیل می‌شود تا به پرسش‌های ما درباره جامعه و انسان به طور کلی و امر ورزشی به عنوان بخشی از جامعه انسانی پاسخ دهد و به عبارت دیگر ورزش در خدمت علوم اجتماعی خواهد بود. این طبقه‌بندی به این دلیل انتخاب شد که می‌تواند شناخت و ارزیابی کارنامه مطالعه اجتماعی ورزش در ایران را تسهیل کند و زمینه‌ای فراهم نماید تا پژوهش‌های اجتماعی ایران از سیطره نگاه آسیب‌شناسانه، تحت تأثیر رویکرد نخست، به ورزش‌رهای یابد و بررسی همه‌جانبه این پدیده اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، بنابراین اتخاذ این رویکرد به معنی مرزبندی و تقسیم دقیق پژوهش‌های اجتماعی ورزش به صورت کلی نیست.

آنچه در آغاز این پژوهش می‌بایست مورد تأکید قرار بگیرد، مسئله تمایز ورزش^۱، گیم^۲ و بازی^۳ است، زیرا مشخص نبودن معنای این اصطلاحات می‌تواند زمینه‌ساز تحریف و سوء‌تعبیر شود که عموماً در علوم اجتماعی و خصوصاً در "انسان‌شناسی ورزش" روی می‌دهد منظور از "بازی" فعالیت‌هایی است که با ویژگی‌هایی مانند فردی بودن، آزادی بالای، به دنبال نتیجه نبودن و داشتن قواعد اندک شناخته می‌شوند. آب‌بازی، سُرُسره بازی، بالا و پایین پریدن و... در این گروه هستند؛ اما "گیم" که در ترجمه فارسی آن باز هم از واژه بازی و یا مسابقه استفاده می‌شود قواعد بیشتری دارد، آزادی افراد در آن کمتر است، دربرگیرنده رقابت و کسب نتیجه است، بازی‌ها و مسابقه‌های قومی و بومی پیش مدرنیته را معمولاً زیر این عنوان قرار می‌دهند، اما "ورزش مدرن" مانند فوتبال، بسکتبال، کشتی و... را باید بیشتر با مؤلفه‌های سازمان‌یافتگی، داشتن قواعد تا حد ممکن دقیق و مصوب و اهمیت نتیجه از گیم‌ها و بازی‌های سنتی متمایز کرد، همچنین لازم است از دوگانه کار و فراغت سخن به میان آید و معانی ورزش و بازی در این دوگانه درک شود، در نهایت باید تأکید کرد نمی‌توان میان بازی، گیم، ورزش، ورزش قهرمانی، ورزش همگانی، ورزش آماتور و ورزش حرفه‌ای مرز روشنی تعیین کرد (بنگرید به انورالخولی، ۱۳۸۳: ۳۴ - ۲۰؛ بلانچارد ۱۳۸۷: فصل دوم).

نامتعیین بودن و سیالیت معنای ورزش و نداشتن مرز روشن با سایر فعالیت‌های انسانی مشابه، در دیدگاه انسان‌شناسی نمود می‌یابد، هری ادواردز در نوشته‌اش *جامعه‌شناسی ورزش* با تعریفی که از ورزش ارائه می‌دهد تأکید می‌کند ورزش هیچ وجه مشترکی با بازی ندارد، بلکه

¹ sport
² game
³ play

ماهیت ورزش بیشتر به دنیای "کار" ارتباط پیدا می‌کند تا دنیای "فراغت" (بنگرید به بلانچارد، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

پژوهش‌های انسان‌شناسی نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تجربه فرهنگ‌های مختلف نمی‌توان تمایز روشنی میان کار و فراغت قائل شد و اساساً تعریف یکسانی از این دو مفهوم در فرهنگ‌های گوناگون وجود ندارد. بلانچارد با ارجاع به پژوهش‌هایی نظیر مطالعه ریچارد لی بر مردم کونگ بوشیمن که قومی گردآورنده غذا در صحرای کالاهاری افریقا هستند نشان می‌دهد دوگانه مشخص و متعین "کار / فراغت" آن‌گونه که در فرهنگ غربی مدرن مطرح است در فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد.

جدایی تاریخی انسان‌شناسی از تجربه فرهنگ خودی (غرب معاصر) موجب شده است به طور سنتی انسان‌شناسی را معرفتی مربوط به اقوام و جوامع غیر غربی و پیش مدرن بدانند و این رویکرد زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی بوده است که انسان‌شناسی بازی و ورزش منحصر به مطالعه گییم‌ها و بازی‌های سنتی و محلی باشد و کاربرد چندانی در محیط‌های ورزشی مدرن برای آن در نظر گرفته نشود.

آنچه در ایران تحت عنوان انسان‌شناسی بازی و ورزش رایج است معمولاً مصداق نگرش گفته‌شده است؛ اما انسان‌شناسی نه فقط می‌تواند ورزش‌های مدرن را موضوع مطالعه خویش قرار دهد، بلکه این حوزه از باروری بسیاری برای پژوهش انسان‌شناسانه برخوردار است که تاکنون مورد بی‌توجهی بوده است. انسان‌شناسی از یک‌سوی می‌تواند در خدمت شناخت و اهداف کاربردی ورزش باشد و از سوی دیگر می‌تواند محیط‌های ورزشی را به میدان و فرصت مناسبی برای مطالعات و پیگیری پرسش‌های خود تبدیل کند.

ورزش؛ موضوع علوم اجتماعی

پیشینه مطالعه اجتماعی ورزش

ورزش اگرچه از آغاز مورد توجه پراکنده و گذرای شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی بوده است، اما نباید از نظر دور داشت نخستین متن‌هایی که رسماً بر این حوزه متمرکز شدند در آغاز قرن بیستم انتشار یافتند و تنها در سه دهه اخیر قرن می‌توانیم شاهد تکوین قدرتمند روش‌ها و نظریه‌های مرتبط با آن باشیم.

علیرضا حسن‌زاده مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی مردم‌شناسی ورزش اثر بلانچارد نگاشته است که با وجود اختصار منبع ارزشمندی برای تاریخچه این حوزه مطالعاتی مخصوصاً در ایران به شمار می‌رود، در وی در این متن تأسیس این زیرشاخه انسان‌شناسی را مقارن نخستین مقاله‌ای می‌داند که در این حوزه نوشته شد و بنابراین سابقه انسان‌شناسی ورزش را تا ۱۸۹۰ و

نگارش مقاله جیمز مونی درباره "بازی‌های با توپ" سرخپوستان چروکی به عقب برمی‌گرداند (بلانچارد، ۱۳۸۷: ۱۷).

تأسیس یک زیرشاخه معتبر و رایج، صاحب روش‌ها و نظریه‌ها و یافته‌های تجربی کافی و منسجم به عنوان سرآغازی معتبر مورد نظر این مقاله است؛ در نتیجه و مخصوصاً در مقایسه با توجهی که انسان‌شناسی به حوزه‌هایی نظیر زبان، خویشاوندی، اقتصاد، دین، جنسیت، سیاست، هنر و... داشته است، باید گفت سهم ورزش ناچیز است و نه فقط در انسان‌شناسی بلکه در سراسر علوم اجتماعی سابقه‌ای اندک دارد. مک‌گری در مقاله‌ای به این نکته اشاره و از بی‌توجهی انسان‌شناسان به ورزش شکایت می‌کند و البته با بررسی نقادانه نمونه‌هایی نشان می‌دهد حوزه مطالعاتی "انسان‌شناسی ورزش" اکنون به بالندگی رسیده و مورد توجه روزافزون انسان‌شناسی است (مک‌گری، ۲۰۱۰).

گذشته از مقاله‌ها و یادداشت‌های پراکنده باید گفت ورزش و فرهنگ به قلم اشنایتسر (۱۹۱۰) و *جامعه‌شناسی ورزش* اثر رابز (۱۹۲۱) نخستین کتاب‌هایی به شمار می‌روند که مطالعه اجتماعی ورزش را به عنوان موضوع محوری خود برگزیده‌اند؛ اما باید تا نیمه دهه ۶۰ میلادی صبر کرد تا از یک‌سوی تعداد بیشتری از آثار در این حوزه منتشر شوند و از سوی دیگر برخی نهادهای بین‌المللی و نشریه‌های معتبر در این زمینه تأسیس شوند و رسماً ظهور شاخه "جامعه‌شناسی ورزش" را در دهه‌های آینده نوید دهند (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۴؛ ویس، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲).

تأسیس نهادهایی نظیر کمیته بین‌المللی جامعه‌شناسی ورزش^۱ (۱۹۶۸)، جامعه آمریکای شمالی جامعه‌شناسی ورزش^۲ (۱۹۷۸)، انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی ورزش^۳ (۱۹۹۵) و انتشار نشریه‌هایی چون *گانه‌نامه بین‌المللی جامعه‌شناسی ورزش*^۴ (۱۹۶۶)، *مجله موضوعات اجتماعی و ورزشی*^۵ (۱۹۷۷)، *مجله جامعه‌شناسی ورزش*^۶ (۱۹۸۴) گام‌های تأثیرگذاری در بنیان‌گذاری جامعه‌شناسی ورزش بوده‌اند (ویس، ۱۳۸۹: ۱۱).

گزارش لوشن در *گانه‌نامه سالانه جامعه‌شناسی* نشان می‌دهد در سال ۱۹۸۰ قریب صد نفر متخصص در زمینه جامعه‌شناسی ورزش در سراسر جهان فعالیت می‌کند و موضوعات محوری پژوهش‌های آنها شامل تحلیل مقایسه‌ای میان ورزش‌ها و گیم‌ها، رده‌بندی طبقاتی، اجتماعی شدن و گروه‌ها در ورزش است (بنگرید به انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۹).

¹ International Committee for Sociology of Sport

² North American Society for Sociology of Sport (NASSS)

³ International Sociology of Sport Association (ISSA)

⁴ International Review for the Sociology of Sport

⁵ Journal of Sport and Social Issues

⁶ Sociology of sport Journal

انورالخولی مهم‌ترین عوامل رشد توجه به ورزش در علوم اجتماعی ظرف دهه‌های اخیر را چنین برمی‌شمارد: افزایش شمار شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی، افزایش تماشاگران، کارآمدی سازمان‌ها و مؤسسات مربوط، توجه نظام‌های سیاسی به امر ورزش، تأثیر رسانه‌ها، افزایش اوقات فراغت، بالا رفتن سطح زندگی، توجه به بهداشت و سلامت عمومی، گسترش تربیت‌بدنی آموزشی و تجاری شدن ورزش (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۳۶).

در جمع‌بندی تاریخچه جامعه‌شناسی ورزش می‌توان گفت پس از مطالعه‌های پراکنده اوایل قرن بیستم، در دهه شصت گام‌هایی اساسی برداشته شد و در نهایت در ربع آخر قرن "جامعه‌شناسی ورزش" تکوین یافت (بنگرید به ویس ۱۳۸۹؛ انورالخولی، ۱۳۸۳). اگرچه در انسان‌شناسی توجه به ورزش در آثار بنیان‌گذاران و در اواخر قرن ۱۹ میلادی دیده می‌شود، اما پژوهش‌ها در دهه ۶۰ میلادی ابعاد جدیدی می‌یابد و تکوین "انسان‌شناسی ورزش" تا پایان قرن زمان می‌برد. در آغاز دهه دوم قرن ۲۱، این شاخه هنوز کاملاً جوان و نارس است و در بسیاری جوامع و مجامع علمی هنوز جایگاه خود را نیافته است.

بلانچارد انتشار مقالات جان رابرتز، مالکوم ارث و رابرت بوش تحت عنوان *بازی‌ها در فرهنگ* (۱۹۵۹) "یکی از اولین تلاش‌های سازمان‌یافته" توصیف می‌کند که به طور نظری نقش بازی و ورزش در جامعه بشری را تحلیل می‌کند، وی همچنین به تلاش لسلی وایت رئیس وقت انجمن مردم‌شناسان آمریکا برای ارائه مدل تحلیلی خاصی در زمینه مطالعات مردم‌شناسی ورزش اشاره می‌کند (بلانچارد، ۱۳۸۷: ۸۳).

ریگلهاپت (۱۹۷۳) در مقاله خود توجه اندک انسان‌شناسان معاصر به مسئله ورزش را مورد انتقاد قرار می‌دهد (بنگرید به بلانچارد، ۱۳۸۷: ۸۵)، همین نکته را مک‌گری در سال ۲۰۱۰ باز هم یادآور می‌شود. مک‌گری از این مسئله انتقاد می‌کند که چرا هنوز انسان‌شناسی ورزش مدرن را دور و غریب می‌پندارد. وی در مقاله *ورزش در گذار؛ افزایش توجه به تغییر فرهنگ در انسان‌شناسی ورزش* (۲۰۱۰) تاریخچه مختصر اما بسیار سودمندی از "انسان‌شناسی ورزش" ارائه می‌دهد.

"در شاخه‌های مرتبط همچون جامعه‌شناسی، دیر زمانی است که ورزش به عنوان یک موضوع اصلی تحقیق مشروعیت یافته است، اما انسان‌شناسی به گفته ساندس یکی از معدود علوم اجتماعی است که هنوز ورزش را دور یا دست پایین می‌بیند"
(مک‌گری ۲۰۱۰: ۱۵۲)

وی از به چالش کشیده شدن این رویکرد در سال‌های اخیر در گزارش‌هایی همچون بولتن خبری انسان‌شناسی در ۱۹۹۷ خبر می‌دهد و با ارجاع به نوتل دایک به این واقعیت اشاره می‌کند که بسیاری از مردم‌نگاران که در چند سال اخیر به ابعاد گوناگون ورزش پرداخته‌اند، طرح‌هایشان

مرتب از سوی کمیته‌های برنامه‌ریزی، مسئولان تصمیم‌گیرنده و استادان راهنما رد شده است، اتفاقی که به روایت وی برای خودش نیز دقیقاً پیش آمده است. انتشار نخستین تک‌نگاری‌های انسان‌شناسان از ورزش و بازی تا چاپ آثار بلانچارد (۱۹۸۱)، ازوی (۱۹۸۲) به تأخیر می‌افتد (مک‌گری، ۲۰۱۰: ۱۵۲)

کندال بلانچارد از جمله انسان‌شناسانی است که به طور خاص بر مسئله ورزش تمرکز کرده است، او معتقد است "انسان‌شناسی ورزش" با هر چهار شاخه اصلی انسان‌شناسی مرتبط است، اما معمولاً به عنوان زیرشاخه‌ای از انسان‌شناسی فرهنگی به شمار می‌رود (بلانچارد، ۱۳۸۷: ۵۹ و ۶۸).

"از بسیاری جهات مردم‌شناسی ورزش نوع خاصی از مردم‌شناسی کاربردی است، مطالعه ورزش از دیدگاه میان فرهنگی یا مقایسه‌ای همواره دلالت‌های عملی و کاربرست بالقوه خود را داشته است. به عبارت دیگر، مردم‌شناسی ورزش می‌تواند به روشنگری و همچنین معماری اجتماع کمک کند و در هر دو مورد می‌تواند دارای پیامدهای عملی باشد" (۱۳۸۷: ۳۸۶).

از جمله آثار دیگری که گام قابل توجهی از منظر روش برای تکوین انسان‌شناسی ورزش برداشته است باید به اثر ساندرز اشاره کرد که به طور تخصصی و حرفه‌ای به مطالعه و معرفی "مردم‌نگاری ورزش" پرداخته و از چگونگی کاربرد روش‌ها و مفاهیم مردم‌نگاری و انسان‌شناسی در میدان ورزش سخن به میان آورده است (ساندرز، ۲۰۰۲).

رویکردهای مطالعه اجتماعی ورزش

پژوهشگران علوم اجتماعی می‌توانند جنبه‌های گوناگون امر اجتماعی ورزش را بررسی کنند تا شناخت از آن گسترش یابد و مشکلات، آسیب‌ها، کاستی‌ها و فرصت‌های فعالیت ورزشی مورد شناسایی قرار گیرد و احتمالاً راه‌حل‌ها و پیشنهادها کاربردی از این مطالعه به دست آید. شناخت ورزش نیز می‌تواند به علوم اجتماعی خدمت کند، نخست اینکه با پرداختن به ورزش، شناخت بخشی از جامعه امکان‌پذیر می‌شود و دوم اینکه با شناخت این بخش بتوان در پی بینش‌ها و رویکردهایی به شناخت جامعه و فرایندها و تحولات اجتماعی به طور کلی بود، به عبارت دیگر می‌توان از میدان ورزش به عنوان آینه جامعه بزرگ‌تر بهره برد، سوم اینکه از ورزش می‌توان در حل برخی مشکلات و کاستی‌های فرد و جامعه استفاده کرد.

پیش از آنکه نمونه‌هایی از این دو رویکرد ذکر کنیم، باید گوشزد کنیم چنین تقسیم‌بندی برای علوم اجتماعی ایران مفید است تا بتواند از سیطره نگاه آسیب‌شناختی به ورزش خارج شود، اما در حقیقت این دو رویکرد از همدیگر به دشواری قابل تفکیک هستند؛ زیرا اغلب پژوهش‌ها با

جهت‌گیری کاربرد توانمندی‌های علوم اجتماعی در قلمرو شناخت و اعتلای ورزش، در نهایت به رشد علوم اجتماعی نیز کمک می‌کنند و برعکس. به عنوان مثال انورالخولی (۱۳۸۳) رویکرد نخست (علوم اجتماعی در خدمت ورزش) را در پیش گرفته است، وقتی در سرآغاز کتاب خود این گونه می‌نویسد (هرچند در نهایت هر دو رویکرد در متن کتاب وی دیده می‌شوند):

”مسئولان ورزش و تربیت‌بدنی منطقه باید ابعاد اجتماعی - فرهنگی ورزش را بفهمند و نقش‌ها و تأثیرهای حیاتی این پدیده را درک کنند. همچنین باید بکوشند تا با تقویت نظام تربیت‌بدنی و ورزش، به سان یک نظام اجتماعی - فرهنگی مهم، معیارها و ملاک‌های نوینی را وضع کنند که بتواند پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده مردم باشد؛ زیرا ماهیت اجتماعی - فرهنگی ما را وامی‌دارد تا میان ورزش و شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی پیوند دهیم و مفاهیمی را وضع کنیم که از طریق پی‌ریزی مبانی نظام‌های فرعی نو مانند ”جامعه‌شناسی ورزش“، زمینه این پیوند و ارتباط فراهم شود، به گونه‌ای که این مباحث و نظام‌های فرعی تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی ورزش را تحت پوشش قرار دهد“ (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۱)

سوفیا جوت و دیوید لواله در اثر خود گرایش به کاربرد اصول روان‌شناسی اجتماعی از طریق پرداختن به موضوعاتی چون سرمربیگری و پویایی گروه، تقویت روحیه، باورهای مؤثر در هم‌بافت‌های رابطه‌ای و گروهی در ورزش، درک شخصی و عملکرد ورزشی، ورزشکار در محیط ورزشی بزرگ‌تر و ... مورد بررسی قرار می‌دهند (جوت و لواله، ۲۰۰۷).

رویکرد دوم (مطالعه ورزش در خدمت شناخت جامعه) در دهه‌های اخیر در علوم اجتماعی گسترش روزافزونی یافته است، در این رویکرد ورزش به مثابه میدان مناسبی برای مسائل و پرسش‌های علوم اجتماعی قلمداد می‌شود. آنچه در حال حاضر بیش از هر چیز مخصوصاً در شاخه انسان‌شناسی به آن توجه نشان داده می‌شود مسائلی همچون تغییرات فرهنگی، جهان - محلی شدن و مسئله هویت است.

بازتاب تغییرات اجتماعی در ورزش این کنجاوی را برانگیخته است که با کنکاش در بازنمایی این تغییرات در دنیای ورزش بتوان به شناخت دقیق‌تر جامعه و تغییرات آن پرداخت، آتمار ویس ورزش را ”نهاد اجتماعی بازتاب‌دهنده بسیاری از حوزه‌های جامعه مدرن“ می‌داند (ویس، ۱۳۸۹: ۴۰). کارن مک‌گری ”تغییر فرهنگی“ و همچنین تعامل جهانی - محلی و تولید هویت را به عنوان موضوعات محوری رویکرد انسان‌شناسی نوین به ورزش می‌داند (مک‌گری، ۲۰۱۰).

ریچارد گیولیانوتی و همکارش رابرتسون از جمله کسانی هستند که با دیدگاه انسان‌شناختی بر موضوع خاص رابطه ورزش (مخصوصاً فوتبال) و جهانی شدن مطالعه کرده‌اند (گیولیانوتی و رابرتسون، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۷a؛ ۲۰۰۷b). می‌توان به نوشته‌های گیولیانوتی به ویژه مقاله به سوی انسان‌شناسی انتقادی صدا با عنوان فرعی تدابیر و شعارهای فرهنگ عامه پسند، اسکاتلند و فوتبال (۲۰۰۵) اشاره کرد.

پژوهش‌های اجتماعی ورزش گذشته از موضوع محوری هویت و تغییرات اجتماعی، دامنه وسیعی دارد و تقریباً هر شاخه و زیرشاخه‌ای می‌تواند موضوعی برای پژوهش در میدان ورزش بیابد، وادز در اثر ارزشمند و وزینی که ویرایش دوم آن در سال ۲۰۱۱ با عنوان موضوعات اجتماعی در ورزش صورت گرفته است، سرفصل‌های بررسی‌اش را به موضوعاتی چون ورزش جوانان، ورزش دانش‌آموزی و دانشجویی، ورزش بین‌المللی، جنبش المپیک و رابطه ورزش با مسائلی چون نژاد، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی، دین، سیاست، کجروی، مربی‌گری اختصاص داده است (وادز، ۲۰۱۱).

جدول ۱: دو رویکرد عمده در مطالعه اجتماعی ورزش

رویکرد دوم	رویکرد نخست
نیاز علوم اجتماعی به ورزش	نیاز ورزش به علوم اجتماعی
ورزش میدان مطالعه علوم اجتماعی	علوم اجتماعی در خدمت ورزش
هدف استفاده از میدان تحقیق ورزش برای شناخت همه‌جانبه‌تر جامعه و کاربرد در حل مشکلات اجتماعی است	هدف شناخت همه‌جانبه‌تر ورزش و کاربرد دستاوردهای علوم اجتماعی در ارتقای آن است
موضوعات محوری: پیگیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی، مسئله هویت، جهان - محلی شدن، تفاوت‌های اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی جامعه، انتقال فرهنگ و اجتماعی شدن از طریق ورزش و ...	موضوعات محوری: خشونت و آواباشی‌گری، کیفیت‌بخشی به خدمات ورزشی، توسعه فرهنگ مشارکت در ورزش، چگونگی مدیریت ورزشی و رهبری تیم‌های ورزشی، تقویت انگیزه و روحیه فردی و تیمی

منبع: نگارنده

مطالعه اجتماعی ورزش در ایران

رویکردها

پیش از بحث درباره رویکردهای پژوهشی علوم اجتماعی ایران در رابطه با ورزش لازم است اشاره شود آثار ترجمه‌شده به فارسی در این زمینه از غنای کافی برخوردار نیست و تعداد آنها نیز بسیار

اندک است، از مهم‌ترین این آثار می‌توان به توماس (۱۳۷۰، ۱۳۷۵)، آهولا (۱۳۷۲)، ویلیامز و دیگران (۱۳۷۹)، دوفرانس (۱۳۸۰)، انورالخولی (۱۳۸۱)، بوردیو (۱۳۸۱) اشاره کرد.

انتشار یک اثر جدید در عرصه جامعه‌شناسی ورزش (ویس، ۱۳۸۹) و چاپ نخستین ترجمه اثری مدون و مفصل در حوزه انسان‌شناسی ورزش (بلانچارد، ۱۳۸۷) در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای آشنایی پژوهشگران ایرانی با نظریه‌ها، روش‌ها و رویکردهای معاصر مطالعه اجتماعی ورزش به شمار می‌روند.

چنانکه پیشتر بیان شد از نظر ما دو رویکرد کلی، به طور مرتب و به‌هم‌پیوسته، در رابطه ورزش و مطالعه اجتماعی وجود دارد. نخستین رویکرد در پی کاربرد معرفت‌ها و یافته‌های علوم اجتماعی در ورزش است، این همان رویکردی است که چنانکه خواهیم دید بر علوم اجتماعی ایران نسبتاً مسلط است؛ اما در این مقاله ما بر رویکردی تأکید داریم که در پی خدمات و فرصت‌های ورزش برای علوم اجتماعی است.

سید مهدی آقاپور در سال ۱۳۶۸ در پژوهشی تحلیلی در جامعه‌شناسی ورزشی پس از پاسخ به پرسش پدیده اجتماعی چیست و روابط اجتماعی چیست در فصول دوم و سوم، در ادامه از پدیده تربیت‌بدنی و ورزش در جامعه‌شناسی، ساختار اجتماعی و تربیت‌بدنی و ورزش و در واپسین فصل کتاب از نقش تربیت‌بدنی و ورزش در توسعه و تحکیم روابط اجتماعی سخن گفته است.

”روابط اجتماعی و تربیت‌بدنی و ورزش در هر جامعه‌ای متقابلاً در توسعه و تحکیم یکدیگر گام برمی‌دارند و در سمت‌گیری جامعه مطلوب و تحقق انسان برتر مؤثرند. با این نگرش پرداختن به موضوع این نوشتار تحقیقی، بحثی دو جانبه است، به ویژه آنکه اگر بخواهیم به طور جامع و صحیح با در نظر گرفتن ابعاد مختلف موضوع، نقش تربیت‌بدنی و ورزش را در روابط اجتماعی مورد کنکاش قرار دهیم، توجه به هر دو جنبه مذکور یک ضرورت حتمی است“ (آقاپور، ۱۳۶۸: ۱۵ - ۱۴).

آقاپور در اثر خود به هر دو رویکرد توجه می‌کند اما در بیشتر آثار تألیفی آشکارا به رویکرد نخست بسنده شده است، مثلاً عباس زادگان در اثر خویش شهر، شهروند و ورزش هدف پژوهش خود را ”بررسی مشکلات گسترش ورزش در شهرها و ارائه راهکارهای ممکن اعلام کرده است (عباس زادگان، ۱۳۸۶: ۱۳). قاسمی و همکارانش در تعریف جامعه‌شناسی ورزش آورده‌اند:

”جامعه‌شناسی ورزش را می‌توان مطالعه کنش متقابل مشارکت‌کنندگان ورزش اعم از ورزشکاران، مربیان، هواداران و سازمان اجتماعی دانست که هدف آن تولید

دانشی است که برای تفسیر، فهم و تبیین الگوهای رفتار انسانی و حل مسائل اجتماعی انسان در فعالیتهای ورزشی مفید باشد“ (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵)

قاسمی برای کتاب خود با عنوان *جامعه‌شناسی ورزش* عنوان فرعی *وندالیسم و اوباشی‌گری در ورزش فوتبال* را برگزیده‌اند، به راستی می‌توان گفت مطالعه اجتماعی ورزش در ایران نیز به طور کلی بر همین عنوان فرعی متمرکز شده است.

مهم‌ترین عامل این مسئله گسترش بیش از پیش علاقه‌مندی جامعه جوان ایرانی به ورزش فوتبال و افزایش پدیده وندالیسم به عنوان پیامد این اقبال عمومی و جوانی جمعیت تماشاگران، به ویژه در حوادث سال‌های آخر دهه ۱۳۷۰ (مخصوصاً در پی خشونت‌های مسابقه فوتبال دو تیم بزرگ پایتخت در دی ماه ۱۳۷۹) و نیز اوایل دهه ۱۳۸۰ است.

معاونت اجتماعی ناجا و نهادهای دولتی در طول این سال‌ها متولی چندین همایش، سمینار و تدوین مجموعه مقالات درباره خشونت و اوباشی‌گری در فوتبال بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به فعالیتهای معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۷۵، ۱۳۸۰)، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰)، نامه علوم اجتماعی (۱۳۸۱)، مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما (۱۳۸۴) اشاره کرد.

حجم قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دانشجویی که در حوزه مطالعه اجتماعی ورزش نوشته شده‌اند نیز بر همین مسئله متمرکز شده‌اند که می‌توان به تحقیقات رحمتی (۱۳۸۱)، آتشی (۱۳۸۲)، نیکبخت (۱۳۸۳)، برومند دولق (۱۳۸۴)، نورعلی وند (۱۳۸۶) اشاره کرد.

کتاب‌ها و مقاله‌های دیگر در این زمینه تالیف شده‌اند مانند عنبری (۱۳۸۱)، پیران (۱۳۸۰)، افسر کشمیری (۱۳۸۱)، رحمتی (۱۳۸۲)، رحیمی (۱۳۸۳)، ذولاکتاف (آ ۱۳۸۳)، ب (۱۳۸۳)، کیالاشکی (۱۳۸۹).

صدیق سروستانی (۱۳۷۴، ۱۳۸۳) به همین صورت نگاه آسیب‌شناختی به ورزش قهرمانی را محور کار خویش قرار داده است اما به جای تمرکز بر مسئله وندالیسم و خشونت به مسائل دیگری همچون نابرابری‌های ورزشی و... پرداخته است.

پژوهش‌های دیگری خارج از موضوع وندالیسم و خشونت با هدف توسعه ورزش، جذب مشارکت‌کنندگان و تماشاگران بیشتر، کیفیت‌بخشی به خدمات ورزشی و مدیریت ورزش و... به انجام رسیده‌اند، طبیعی است که در اجرای این مطالعات سازمان تربیت‌بدنی و دیگر نهادهای وابسته تأثیر بسیاری داشته‌اند. از این دست آثار می‌توان به سقط فروش (۱۳۵۵)، مجیدی قهرودی (۱۳۷۳)، رحیمی (۱۳۸۳)، عبدلی (۱۳۸۴)، معصومی (۱۳۸۷)، بختیاری (۱۳۸۸)، عشقی (۱۳۸۸)، علیزاده و گلریزی (۱۳۸۹) اشاره کرد. احمد فلاحی (۱۳۸۷) به بررسی انگیزه‌ها

و عوامل اقبال تماشاگران و حضور در استادیوم‌ها پرداخته است و به نقل از گیولی‌انوتی به نقش همبستگی محلی و علایق نژادی در حمایت از یک تیم اشاره گذرایی دارد (فلاحی، ۱۳۸۷: ۵۳). پژوهش‌هایی هم تلاش کرده‌اند ورزش و میدان تحقیق ورزشی را همچون فرصتی برای طرح پرسش‌های مربوط به جامعه و فرهنگ به کار گیرند. مقاله‌های آزاد ارمکی، اباذری، عسگری خانقاه و عبداللهیان در نامه علوم اجتماعی (سال ۱۳۸۱، شماره ۱۹) از این دست‌نوشته‌ها هستند، حتی در این نوشته‌ها نیز همواره رویکرد نخست و نگاه آسیب‌شناختی کماکان به چشم می‌خورد.

از دیگر آثار از این دست می‌توان به قاسمی (۱۳۸۸)، حلاجی (۱۳۷۶)، حسین زاده (۱۳۷۲)، مرادی (۱۳۸۷)، مظاهری (۱۳۸۴) و... اشاره کرد.

انسان‌شناسی بازی و ورزش‌های سنتی و محلی

انسان‌شناسی ورزش در ایران بیش از آنکه تحت تسلط نگاه آسیب‌شناختی و رویکرد نخست باشد، تحت تأثیر غفلت جهانی این رشته از مقوله "ورزش مدرن" است تا جایی که ناچار هستیم بیشتر از انسان‌شناسی بازی در ایران سخن بگوییم تا انسان‌شناسی ورزش.

پژوهش‌هایی که از سوی دانش‌آموختگان انسان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و البته طیف وسیعی از اهل قلم و پژوهش آزاد ایرانی بر بازی‌ها صورت گرفته است معمولاً تنها در سطح پژوهش‌هایی توصیفی و فرهنگ‌نامه‌ها، خُنگ‌ها و به ندرت تک‌نگاری‌ها بوده است. به عنوان مثال می‌توان از پروین گنابادی (۲۵۳۵)، لیراوی (۱۳۸۲)، عباسی (۱۳۸۴)، حسن‌پور (۱۳۸۷)، رضوانفر (۱۳۹۰) نام برد. حجم قابل توجهی از آثار نیز به بازی‌های محلی یک استان یا شهرستان خاص پرداخته‌اند که ذکر همه آنها در اینجا نه ممکن و نه ضروری است اما می‌توان به عنوان نمونه به کاشف (۱۳۳۷)، صداقت کیش (۱۳۶۰)، امیریان (۱۳۷۰)، غفاری (۱۳۷۴)، هادی پور (۱۳۷۱)، رشنوییان (۱۳۸۱)، بهرامی و بهرامی (۱۳۸۷)، یوسفی (بی‌تا)، نیک‌نفس (۱۳۸۸) و... اشاره کرد.

حسین جهان‌شاه در زمینه تک‌نگاری‌ها (۱۳۵۰)، با حمایت مرکز مردم‌شناسی ایران (فرهنگ عامه سابق)، اثر جامع و مفصلی درباره قاپ‌بازی نوشته است، یزدان نژاد (۱۳۶۷) و محمدیان مغایر (۱۳۸۸) نیز درباره گشتی‌های محلی و انصاف پور (۱۳۵۳)، پرتو بیضایی (۱۳۳۷)، درباره زورخانه‌ها و ورزش‌های باستانی نگاشته‌اند.

اکتفا به توصیف محض، عدم توجه به مباحث نظری، فقدان جنبه‌های تطبیقی و مقایسه‌ای، عدم پیوند با شیوه‌های نوین و معتبر مردم‌نگاری و... از جمله نقدهایی که بر اکثریت قریب به اتفاق این پژوهش‌ها وارد است.

آثاری دیگری هستند با روشی نظام‌مندتر و از منظری انسان‌شناختی به مقوله بازی‌های ایران بپردازند مانند بهار (۱۳۵۱)، کریمی (۱۳۵۳)، میرهاشمی (۱۳۶۲)، بلوک باشی (۱۳۸۶) و مصطفایی (۱۳۸۹) نام برد.

انسان‌شناسی ورزش مدرن

انسان‌شناسی ایران تا سال‌های اخیر (اواخر دهه ۱۳۸۰) تقریباً "ورزش مدرن" را در فهرست کار خود از قلم انداخته است. انتشار ترجمه کتاب بلانچارد (۱۳۸۷) می‌تواند تحولی در این زمینه به شمار برود (بنگرید به کریمی ۱۳۸۷). علیرضا حسن‌زاده یکی از مترجمان کتاب بلانچارد، از جمله معدود کسانی است که به مقوله انسان‌شناسی ورزش مدرن علاقه‌مند است، از نوشته‌های وی می‌توان به *فوتبال، بازتعریفی پویا در هویت ایرانی* (۱۳۸۳) و مقاله مشترک با *عسگری خانقاه فوتبال و فردیت فرهنگ‌ها* (۱۳۸۱) اشاره نمود.

حسن‌زاده در مقدمه ترجمه اثر بلانچارد بیان می‌کند مهم‌ترین نکته‌ای که در انسان‌شناسی ورزش ایران می‌شود روی آن دست گذاشت مسئله "هویت" است:

"اگر پیشینه مطالعه بازی و ورزش در غرب به سده هجدهم و آثار کسانی چون فریزر، مونی، کولین و ... بازمی‌گردد، در ایران سابقه این مطالعات ریشه به پژوهش‌های چند دهه اخیر می‌رساند. این درحالی است که مفهوم ورزش در ایران با مفهوم هویت گره می‌خورد. از یکسو ورزش‌های باستانی چون ورزش پهلوانی و چوگان ما را به سوی گذشته‌های دور باز می‌برد و از سوی دیگر کارکرد هویت‌ساز ورزش‌هایی چون کشتی و فوتبال اهمیت ورزش را افزون‌تر می‌سازد. اگر کشتی ایرانی در تداوم ورزش باستانی با کارکردهای آیینی همراه بوده است و تعریفی سنتی از هویت ایرانی را دربر دارد، فوتبال ما را گاه با مفهوم بلوغ در نوجوانان ایرانی، درک فضای بیرونی، آشنایی با هویت‌سازی‌های گروهی، برابری آیینی برای زنان و از سوی دیگر، نشانه‌های از پیدایی نخستین صورت‌های آیین‌های سکولار در رفتارهای کارناوالی مواجه می‌کند. ورزش‌های مدرنی چون فوتبال با بازتعریف چند صدایی مفهوم هویت ملی در ایران طی دهه‌های اخیر همراه بوده است" (بلانچارد، ۱۳۸۷: ۲۳).

این تأکید بر اهمیت توجه به مسئله هویت در مطالعات انسان‌شناختی و اجتماعی ورزش، در حقیقت هم‌نوا با گرایشی است که در سال‌های اخیر در علوم اجتماعی غرب بر همین مسئله می‌شود، چنانکه پیشتر مورد اشاره قرار گرفت اخیراً بسیاری پژوهشگران بر اهمیت توجه به رابطه

ورزش و مسائلی چون هویت، ملی‌گرایی، جهانی شدن، جهان محلی شدن و... تأکید داشته‌اند (بنگرید به مک‌گری ۲۰۱۰؛ بیرنر ۲۰۰۱).

هاشمی و جوادی یگانه مقاله با عنوان *فوتبال و هویت ملی* نگاشته‌اند و در آن به تحلیل داده‌هایی پرداخته‌اند که از تصاویر زنان ایرانی مشوق تیم ملی در جام جهانی ۲۰۰۶ گردآوری شده است، این موضوع نزدیکی بسیاری با دغدغه‌های انسان‌شناسی دارد و مخصوصاً از این نظر که بر مسئله هویت تأکید کرده است در این مقاله از آن نام برده می‌شود (هاشمی و جوادی یگانه، ۱۳۸۶).

باقری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *کارکردهای اجتماعی - فرهنگی ورزش فوتبال* دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با دیدگاهی کارکردگرایانه به مسئله ارتباط ورزش فوتبال با پدیده‌های فرهنگی دیگری همچون هویت ملی، قومی، جنسی، خشونت، اوقات فراغت، اجتماعی شدن و... می‌پردازد. "برای بسیاری از اقوام تیم فوتبالشان، ارتشی قلمداد می‌گردد که تا کنون از آن محروم بوده‌اند" (باقری ا: ۱۳۸۹). باقری در نتیجه‌گیری این مسئله را مطرح می‌کند که پیوند ملت ایران در حمایت از تیم ملی فوتبال با پیوند ملی در اعتراض به تحریف نام "خلیج فارس" در مجله نشنال جئوگرافیک و یا دفاع از حقوق ملی در زمینه انرژی هسته‌ای قابل مقایسه است (باقری ۱۳۸۹: ۲۰۰).

توجه به مسئله هویت‌های ملی و محلی در ورزش مدرن در سال‌های اخیر بیش از پیش توجه دانشجویان و پژوهشگران علوم اجتماعی در ایران را به خود مشغول کرده است از جمله پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد که اخیراً در این زمینه نگارش شده‌اند می‌توان به کاظمی (۱۳۹۱) و خدایی (۱۳۹۱) اشاره نمود که هر دو بر مسئله هویت‌های ملی و قومی در ورزش فوتبال تمرکز داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

علوم اجتماعی ایران به طور کلی توجه ناچیزی در مقایسه با موضوعات دیگر، به مقوله "ورزش مدرن" داشته و در این میان انسان‌شناسی کمترین علاقه را به این حوزه نشان داده است. با توجه به اهمیت ورزش مدرن و گسترش آنچه در سطوح قهرمانی و حرفه‌ای و چه در سطوح ورزش همگانی در جامعه معاصر، لازم است بازنگری کلی در نگرش علوم اجتماعی به جایگاه این حوزه مطالعاتی صورت بگیرد.

رویکرد مسلط در پژوهش‌های ایرانی ارائه خدماتی به ورزش با روش‌های و یافته‌های علوم اجتماعی است، مثلاً راه‌حلی برای مسئله خشونت و اوباشی‌گری تماشاگران و یا عدم استقبال از برنامه‌های ورزشی. رویکرد متأخر رایج در حوزه مطالعات اجتماعی جهان بیشتر در پی پاسخ به پرسش‌های علوم اجتماعی از طریق بررسی میدان ورزش است، پیگیری تغییرات اجتماعی و

فرهنگی، مسئله هویت، جهان - محلی شدن، سلامت اجتماعی و روانی جامعه از جمله موضوعات محوری این حوزه هستند.

حوزه انسان‌شناسی ورزش در ایران هنوز شکل نگرفته است بلکه آنچه وجود دارد کماکان مطالعه بازی‌ها و ورزش‌های محلی و سنتی است. انسان‌شناسی از یک‌سوی می‌تواند در خدمت شناخت و اهداف کاربردی ورزش باشد و از سوی دیگر می‌تواند محیط‌های ورزشی را میدان و فرصت مغتنمی برای مطالعات خود و پیگیری پرسش‌های خود تلقی کند.

پیشنهادی که نگارندگان به عنوان نتیجه بررسی خود بر پیشینه مطالعه اجتماعی ورزش در ایران و جهان، به علوم اجتماعی و مخصوصاً انسان‌شناسی ارائه می‌کنند، ضرورت پردازش بیشتر پژوهشگران به موضوعاتی همچون جهان - محلی شدن، تغییرات فرهنگی و مسئله هویت، هم در حوزه ورزش‌ها و بازی‌های سنتی و هم در مقوله ورزش‌های مدرن در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است، چنین رویکردی کارآمدی ورزش را به عنوان بستر مناسبی برای مطالعات اجتماعی روشن می‌کند، نتیجه چنین نگرشی به مسئله ورزش مدرن هم دستاوردهای زیادی برای علوم اجتماعی خواهد داشت و هم در نهایت منجر به شناخت بیشتر امر ورزشی می‌شود و خدمت علوم اجتماعی به ورزش را تسهیل خواهد کرد.

منابع

- آقاپور، سید مهدی (۱۳۶۸)، پژوهشی تحلیلی در جامعه‌شناسی ورزشی، تهران: سازمان تربیت‌بدنی.
- آهولا، اسو و هتفیلد، براد (۱۳۷۲)، روان‌شناسی ورزش با رویکرد روانی - اجتماعی، ترجمه رضا فلاحي و محسن حاجیلو، تهران: سازمان تربیت‌بدنی.
- انورالخولی (۱۳۸۳)، ورزش و جامعه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تهران: سمت و آستان قدس رضوی.
- باقری، مجتبی (۱۳۸۹)، کارکردهای اجتماعی - فرهنگی ورزش فوتبال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مردم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- بختیاری، محمد (۱۳۸۸)، بررسی میزان رضایت‌مندی تماشاچیان لیگ برتر فوتبال از ارائه خدمات گوناگون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- برومند دولق، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی میزان بروز رفتارهای پرخطرگانه بازیکنان تیم پگاه گیلان در رقابت‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- بلانچارد، کندال (۱۳۸۷)، مردم‌شناسی ورزش، ترجمه: حسن‌زاده و قربانی، تهران: افکار.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶)، بازی‌های کهن در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهار، مهرداد (۱۳۵۱)، «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن»، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۰.
- بهرامی، مصطفی و فرید بهرامی (۱۳۸۷)، بازی‌های بومی و محلی لرستان، خرم‌آباد: سیفا.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۸۱)، «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه فرزاد، فصل‌نامه ارغنون، شماره ۲۰، صص: ۱۴۶ - ۲۲۷.
- پروین گنابادی، محمد (۱۳۵۵ - ۲۵۳۵)، بازی‌های محلی، تهران: توس.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۸۳)، «فوتبال، بازتعریفی پویا در هویت ایرانی»، نامه پژوهشگاه، شماره ۸.
- حسن‌پور، غلامحسین (۱۳۸۷)، ورزش‌های بومی، سنتی، محلی، تهران: انتشارات بامداد کتاب.
- حسین‌زاده، حدیقه (۱۳۷۲)، بررسی نگرش دانشجویان شرکت‌کننده در نخستین المپیاد فرهنگی ورزشی نسبت به ورزش و کارکردهای آن بر اساس ارزیابی آثار المپیاد فرهنگی - ورزشی کشور در سال ۱۳۷۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حلاجی، محسن (۱۳۷۶)، بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران نخبه مرد شنا، کشتی، فوتبال و بسکتبال باشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خدایی، ابراهیم (۱۳۹۱)، هویت فرهنگی محلی، ملی و جهانی و ورزش فوتبال (مطالعه تطبیقی باشگاه‌های پرسپولیس تهران و گهر دورود لرستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه: نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- رحمتی، محمدمهدی و علی‌رضا تبریزی (۱۳۸۲)، «بررسی عامل‌های جامعه‌شناختی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال»، المپیک، شماره ۲۴، ۹۲ - ۷۷.
- رشنویان، سعید و محمدرضا نظری (۱۳۸۱)، بازی‌های لرستان، خرم‌آباد: افلاک.
- رضوانفر، مرتضی و یدالله پرمون (۱۳۹۰)، بازی‌های بومی و محلی ایران: معرفی ۳۱ بازی از مناطق مختلف ایران، تهران: آبادبوم.

- سقوط فروش، جواد (۱۳۵۵)، *علل ناکامی ورزشکاران ایرانی در مسابقات جهانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- صداقت کیش، حمید (۱۳۶۰)، *بازی‌های محلی آباد، شیراز: بدون ذکر نام ناشر*.
- عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۶)، *شهر، شهروند و ورزش، تهران: شهر*.
- عباسی، لطف اله، (۱۳۸۴)، *مجموعه بازی‌های بومی - محلی عشایر ایران، تهران: کیا*.
- عشقی، کامران (۱۳۸۸)، *بررسی اثربخشی حمایت‌های مالی ورزشی در میان طرفداران ورزش فوتبال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- علیزاده گلریزی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *عوامل مؤثر بر وفاداری هواداران به برند باشگاه‌های پرتعداد لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی
- غفاری، یعقوب (۱۳۷۴)، *بازی‌های محلی کهگیلویه و بویراحمد، تهران: روایت*.
- فلاحی، احمد (۱۳۸۷)، *مطالعه و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر حضور تماشاچیان مسابقات فوتبال لیگ برتر ایران با رویکرد بازاریابی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- قاسمی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، *بررسی و توصیف ملاک‌های صوری متن‌های گفتاری و نوشتاری گزارش‌های ورزش کشتی بر بنیاد رویکردهای جامعه‌شناختی و معنی‌شناسی کاربردی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- قاسمی، وحید و وحید ذوالاکتاف و علی نورعلی وند (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی ورزش؛ وندالیسم و اوباشی‌گری در ورزش فوتبال، تهران: جامعه‌شناسان*.
- کاشف، میرمحمد (۱۳۳۷)، *بازی‌های بومی و محلی آذربایجان، ارومیه: تکوین*.
- کاظمی، ایرج (۱۳۹۱)، *فوتبال و هویت جمعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کریمی، اصغر (۱۳۵۳)، *بازی‌های کودکان در روستای کهنک، هنر و مردم*.
- کیالاشکی، رحمتی نژاد، رحمانی نیا، صالحی (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل پرخاشگری در میدان‌های ورزشی از دیدگاه ورزشکاران، تماشاگران و متخصصان تربیت‌بدنی»، *المپیک*، شماره ۱۸، صص: ۴۶ - ۳۹.
- لیراوی، الله کرم (۱۳۸۲)، *۷۰ ورزش بازی سرگرمی در فرهنگ بومی و سنتی: آشنایی با گویش‌های محلی در بازی‌ها، بوشهر: شروع*.
- مجیدی قهرودی، نسیم (۱۳۷۳)، *بررسی موفقیت ورزشی ورزشکاران تیم‌های ملی در رابطه با پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- محمدیان مغایر، زهره (۱۳۸۸)، *کشتی با چوخه: گزاره‌ای مردم‌شناخت در آئین پهلوانی*، تهران: رهنما.
- مرادی، رامین (۱۳۸۷)، *اجتماعی شدن در ورزش با تأکید بر نقش خانواده (حوانان ۱۵-۲۵ ساله شهرستان اهواز)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- مصطفایی، عزیز (۱۳۸۹)، *پژوهشی مردم‌شناختی در بازی‌های بومی - محلی اورامانات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

- مظاهری، لیلا (۱۳۸۴)، تأثیر عضویت در گروه‌های ورزشی بر خود اجتماعی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- معصومی، سیاوش (۱۳۸۷)، بررسی انگیزه‌ها و عوامل مؤثر بر حضور تماشاگران در بازی فوتبال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرهاشمی، محمد (۱۳۶۲)، «بندبازی در گیلان و مازندران»، مجموعه مقالات مردم‌شناسی، تهران.
- نورعلی‌وند، علی (۱۳۸۶)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشی‌گری در ورزش فوتبال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- نیک‌نفس، صادق (۱۳۸۸)، مجولاً: بازی‌های محلی جیرفت و کهنوج به ضمیمه تصاویر، قم: اشک یاس.
- ویس، آتمار (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه: راسخ، تهران: نی.
- ویلیامز، جان و دیگران (۱۳۷۹)، کندوکاوی در پدیده اوباشی‌گری در فوتبال، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- هاشمی، سید ضیاء و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۶)، «فوتبال و هویت ملی»، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۳۰، صص: ۱۲۴ - ۱۰۷.
- یزدان نژاد، مرادعلی (۱۳۶۷)، لو چو، کشتی سنتی مازندران، تهران: جهاد تربیت‌بدنی.
- یوسفی، امرالله (بی‌تا)، ورزش و بازی در ایل قشقایی، شیراز: تخت جمشید.
- Bairner, A (2001), *Sport, Nationalism, and Globalization*, Albany: State University of New York Press.
- Giulianotti, R & Robertson, R (2004), "The Glocalization of Football: A Study in the Globalization of the 'Serious Life'", In *British Journal of Sociology*, V 55, PP: 545-565.
- Giulianotti, R (2005), "Toward a Critical Anthropology of Voice: The Politics and Poets of Popular Culture, Scotland and Football. In *Critique of Anthropology*, V 25, PP: 339- 359.
- Jowett, S & David, L (2006), *Social Psychology in Sport*, Human Kinetics Publishers
- Kotnik, V (2009), "Sport and Nation in Anthropological Perspective: Slovenia as Land of Skiing Nationhood", In *Anthropologija*, No 7 .PP: 35-66.
- Luschen, G (1980), "Sociology of Sport: Development, Present State, and Prospects", In *Annual Review of Sociology*, V 6, PP: 315- 347.
- McGarry, K (2010), "Sport in Transition: Emerging Trends on Cultural Change in the Anthropology of Sport." In *Reviews in Anthropology*, V 39, PP: 151- 172.
- Moore, P (2004), "Scouting an Anthropology of Sport", In *Anthropologica*, V 46.
- Sands, R (2002), *Sport Ethnography*, Human Kinetics Publishers.
- Woods, R (2011), *Social Issues in Sport*, 2nd Edition, Human Kinetics Publishers.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی